

احکام نعلیه جات!

پرونده
ویژه

دیوار

۲۶

ش ۱۳۳



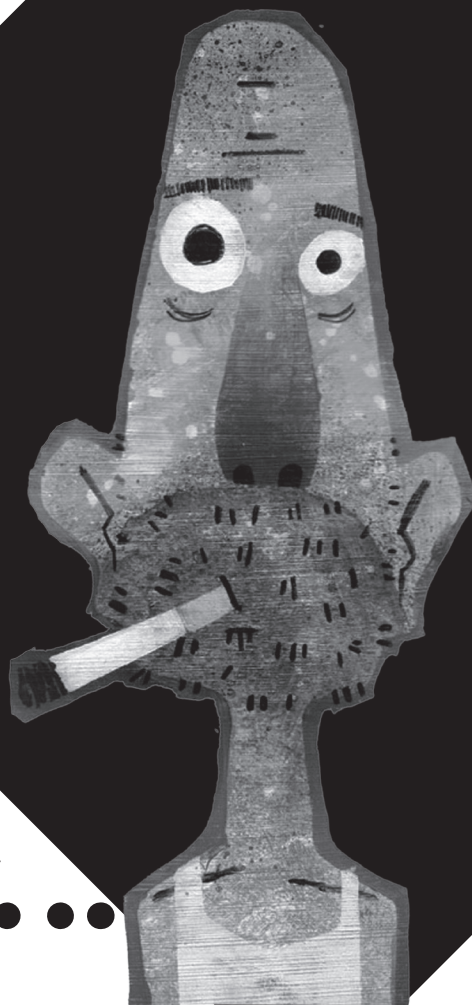
«خدای کعبای یکتا! درون سینه‌ها یاد تو متروک است و از بی‌دانشی و از بزهکاری مقام برترین مخلوق تو - انسان - بسی پایین‌تر از حد سنگ و خوک است... تمام شهر گردابی است پر از گنداب تمام سرزمین‌ها نیز دنیا هم و گویی قرن، قرن ننگ و بدنامی بداندیشی است و فطیلت‌ها لجن آلوده، انسان‌ها سیه فکر و سیه کارند و «انسان» نام اشرافی زیبایی است از شاهکار بی‌بدیل استاد موسوی گرمارودی این قطعه شعر بخشی از تعبیر این شعر مناسب می‌نماید حقیقت آن است که در مورد معیت رسول اعظم صلی الله علیه و آله است که مناجات‌ها و دردل‌های آن حضرت با خداوند در غار حرا را ترسیم می‌نماید حقیقت آن است که هر چند بسیاری از تعبیر این شعر مناسب با همان روزگار جاهلیت مطلق است، اما وضعیت بر اثر ابتلاء به برخی از الودگی‌های فکری و رفتاری گروها و انشعاب در حد همین تعبیر است. این شعر مناسب می‌نماید حقیقت آن است که در مورد معیت رسول اعظم صلی الله علیه و آله است که مناجات‌ها و دردل‌های آن حضرت با خداوند در غار حرا را ترسیم می‌نماید حقیقت آن است که هر چند بسیاری از تعبیر این شعر مناسب با همان روزگار جاهلیت مطلق است، اما وضعیت بر اثر ابتلاء به برخی از الودگی‌های فکری و رفتاری گروها و انشعاب در حد همین تعبیر است.

چیزی در حد همین تعبیر است. این شعر مناسب می‌نماید حقیقت آن است که در مورد معیت رسول اعظم صلی الله علیه و آله است که مناجات‌ها و دردل‌های آن حضرت با خداوند در غار حرا را ترسیم می‌نماید حقیقت آن است که هر چند بسیاری از تعبیر این شعر مناسب با همان روزگار جاهلیت مطلق است، اما وضعیت بر اثر ابتلاء به برخی از الودگی‌های فکری و رفتاری گروها و انشعاب در حد همین تعبیر است. این شعر مناسب می‌نماید حقیقت آن است که در مورد معیت رسول اعظم صلی الله علیه و آله است که مناجات‌ها و دردل‌های آن حضرت با خداوند در غار حرا را ترسیم می‌نماید حقیقت آن است که هر چند بسیاری از تعبیر این شعر مناسب با همان روزگار جاهلیت مطلق است، اما وضعیت بر اثر ابتلاء به برخی از الودگی‌های فکری و رفتاری گروها و انشعاب در حد همین تعبیر است.



تقسیمی شرعی

در نگاه شرعی نسبت به این مسأله باید چند مورد از هم تفکیک شود. اول آن که حکم اولیه مصرف این مواد با حکم ثانویه آن که ناشی از مقررات حکومتی در نظام اسلامی است تفکیک شود. یعنی وقتی از نگاه قانون در جمهوری اسلامی هرگونه مصرف مواد مخدر جرم محسوب می‌شود و مصرف‌کننده هم مجرم دانسته می‌شود، پس بر مبنای حرمت مخالفت با قوانین دولت اسلامی هر نوع مصرف و نگهداری و خرید و فروش مواد مخدر هم جایز نخواهد بود و تکلیف همه اقسام و فروش روشن است. اما بحث‌های متفاوت دیگری که در این زمینه عنوان می‌شود فارغ از این نگاه حکومتی و قانونی است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم. دوم آن که باید بین مصرف‌های مقطعی و به قول بچه‌ها تفریحی و تفتنی، با مصرفی که به اعتیاد منتهی می‌شود و همچنین مصرف پس از اعتیاد تفاوت‌هایی قائل شد. چنان که برخی از مراجع چنین مواردی را دارای احکامی متفاوت دانسته‌اند.





سقوط در جهنم ممنوع

یکی از اقسام روشن و بدیهی در مورد مواد مخدر، مصرفی است که به اعتیاد منتهی می‌شود. یعنی اگر کیفیت و کمیت مصرف مواد مخدر به گونه‌ای باشد که به اعتیاد منتهی شود یا نوع ماده مصرفی بی‌برگرد انسان را معتاد می‌کند، طبق نظر همه مراجع این مصرف حرام است. البته حقیقت آن است که اهل فن تأکید می‌کنند انواع گوناگون مواد مخدر دارای همین اثر هستند و کمتر کسی است که بعد از ورود در حلقه اهل دود و دم، با آن‌ها همدم نماند و از این حلقه آلوده خارج شود. به همین دلیل است که اکثر معتادان به مواد مخدر حتی به مخپله‌شان هم خطور نمی‌کرد که روزی معتاد شوند. به قول آن لطیفه معروف ابتدا تصمیم داشتند فقط ایام تعطیل به طور تفریحی بکشند؛ اما از بد روزگار خوردند به تعطیلات نوروز و... به هر حال اگر داستان همین باشد - که خدا و کیلی هست - می‌توان گفت هر نوع ورود در عرصه مواد مخدر به منزله ورود در دام اعتیاد است که از نظر همه مراجع حرام شرعی است و نباید با توجیهات گوناگون از معصیت و گناه بودن آن طفره رفت. زیرا همین پُک‌های اول است که انسان را به سقوط آزاد در جهنم گناه و بی‌آبرویی و نابودی جسم و جان می‌کشاند.



یک بار برای همیشه

اگر فرض کنیم مصرف مواد مخدر به هیچ وجه به اعتیاد منجر نمی‌شود و در مواردی نادر که کسی هوس کرده ببیند این لامصب چیست که این همه ملت اسیر آن هستند؛ تکلیف چیست؟! در مورد این نوع مصرف‌ها باید گفت؛ بر فرض که چنین موردی وجود داشته و به اعتیاد منجر نشود... طبق نظر برخی از مراجع که از اساس این دندان لق هوس را کشیده‌اند و هر نوع مصرف مواد مخدر را مطلقاً حرام دانسته‌اند، تکلیف روشن است و جای هیچ شک و شبهه‌ای نیست. اما بر طبق نظر دیگر مراجع هم باز مجالی برای این شیطنتهای خانمان سوز باقی نمی‌ماند. زیرا اولاً برخی از موارد یکی از دلایل حرمت مصرف برخی مواد مخدر را مست‌کنندگی آن‌ها می‌دانند و با این فرض نوبت به ضرر و زیان و اعتیاد نمی‌رسد. در واقع این که مراجع معتقدند حالت نعشگی ناشی از مصرف این مواد همانند حالت مستی بعد از مصرف مشروبات الکلی است و مطلقاً حرام است. همان‌طور که نوشیدن یک جرعه مشروب حرام است.

چون در روایات هم تأکید شده که خداوند شراب را به خاطر نامش حرام نکرد؛ بلکه بخاطر اثرش حرام نمود و در نتیجه هر چیزی که چنین اثری داشته باشد و عقل انسان را زایل کند حرام است. در مورد سایر مواد هم شروطی مانند نداشتن ضرر قابل توجه و... برای جواز مصرف وجود دارد که مسلمان در مواردی مانند کراک هیچ انسان عاقلی ضرر وحشتناک حتی یک بار مصرف آن را قابل اغماض نمی‌داند. به علاوه که اصولاً حکم شرعی در مورد موارد خلاف قانون به قوت خود باقی است.



همان داستان قدیمی رفیق ناباب و دغال مرغوب!

در این میان می‌ماند تکلیف افرادی که به‌خاطر رفیق ناباب و قیمت پایین مواد شکست عشقی و البته زغال خوب (!) کارشان به اعتیاد کشیده شده است. در مورد این گروه خاص البته تکلیف قدری متفاوت است. زیرا بدن آن‌ها به مواد عادت کرده و ترک دفعی مواد می‌تواند ضررها و دردهای سختی برایشان به دنبال داشته باشد.

با توجه به مطالبی که گفته شد تکلیف مصرف این گروه هم روشن است. زیرا اگر مشکل حرمت استعمال این مواد، جنبه اسکار و مست‌کنندگی آن‌ها باشد در هر صورت حرام است. همچنین اگر معیار ضرر زدن این مواد به جسم باشد باز تداوم مصرف به منزله ادامه این ضرر زدن به خود است و باز حرام است. حتی اگر معیار را قبح عقلی و عرفی استعمال بدانیم، باز به نوعی شامل این گروه می‌شود. تنها مسئله قابل طرح آن است که گفته شود این افراد اختیاری در مصرف مجدد مواد ندارند و توان ترک مصرف از عهده آن‌ها خارج بوده و به اصطلاح فقهی نوعی اضطراب برای مصرف دارند.

تکلیف موارد اضطرابی و غیر اختیاری روشن است همانگونه که شریعت خوردن از مردار را برای فرد مضطر حلال می‌داند؛ اما در عین حال این امر نباید به منزله مجوزی برای تداوم اعتیاد و بی‌خیال شدن در مسیر ترک و خروج از دام اعتیاد باشد، به همین خاطر برخی از مراجع تأکید می‌کنند که فرد معتاد باید تلاش کند تا از اعتیاد خارج شود.



چند نکته پایانی

- ۱- در خصوص مصرف مواد مخدر باید توجه داشت که در احکام ذکر شده هیچ تفاوتی بین مصرف‌های گوناگون وجود ندارد و حکم استعمال تریبی یا خوردن و دودکردن و... یکی است.
- ۲- به تصریح برخی از مراجع همان‌گونه که مصرف این مواد حرام است، هرگونه ترویج و تبلیغ و کشت و تولید این مواد، همچنین خرید و فروش آن‌ها حرام است و پولی که از این راه به دست می‌آید هم حلال محسوب نشده و نمی‌توان در آن تصرف کرد.
- ۳- تنها موارد در استثناء در جواز مصرف مواد مخدر مصارف درمانی است که آن هم بنا بر تأکید برخی از مراجع به شرطی است که منتهی به اعتیاد نشود و کیفیت و کمیت آن طبق نظر پزشکان کارشناس باشد. در واقع بسیاری از مراجع حکم جواز این مصرف را در صورتی می‌دانند که درمان درد و بیماری منحصر در همین استعمال باشد که شکل واقعی این امر هم همان تزریق مورفین و مسکن‌های قوی است که زیر نظر پزشک انجام می‌شود.



تکلیف ترک‌کردن!

و اما داستان مواد روان‌گردان و قرص‌های اکس و ده‌ها برادر و خواهر نامشروع دیگرش که با عناوین و نام‌های گوناگون در کوچه و بازار در دست جوان‌های از همه جا بی‌خبر می‌گردد و گاه به فجایع گوناگون منجر می‌شود. در مورد این نوع قرص‌ها و مصرف‌شان استفتائات کاملی از مراجع به عمل نیامده و به صراحت تکلیف این مواد در منابع فقهی و فتوایی روشن نشده است.

اما با مراجعه بر مبانی فقهی مراجع می‌توان فهمید که در بسیاری از موارد تفاوتی بین این قرص‌ها با دیگر مواد مخدر صنعتی نیست. زیرا حتی یک بار مصرف این مواد امکان خطرهای جسمی بسیار زیاد و حتی مرگ را به دنبال دارد. چنان‌که در موارد متعدد این امر گزارش شده و به علاوه وضعیت این مواد از بسیاری از مواد مخدر بدتر است. زیرا فرد را از حالت عادی خارج کرده و دچار نوعی مستی و مدهوشی می‌کند که در آن حال انجام هر کار ناپسند و نامعقولی از فرد بعید نیست و به یقین قرار گرفتن در چنین وضعیتی از نظر شرع حرام است. جدای از همه این موارد باز همان منع قانونی و جرم بودن مصرف این مواد و حرمت شرعی ناشی از آن مطرح است که تکلیف هر انسان باتقوایی را در این رابطه روشن می‌سازد.